

نمایشنامه غدیر خم

(یک درخت چندبچه دوران بازی می کنند)

"چند لحظه بعد"

(کسی به عنوان عمو ی بچه ها وارد صحنه می شود بچه ها به طرفش می دوند و از عمو می خواهند برایشان داستانی از معصومین تعریف کند)

فاطمه :عمو میشه یه داستان بگی

عمو:بله عزیزم ،حالا آیا می دانید امروز چه روزی هست؟

محدثه می پرسد:امروز ،روز تولد من است؟

(همه ی بچه ها به او می خندند و یاسر ناراحت می شود)

عمو: یاسر ناراحت نباش آری امروز تولد تو است ولی غیر از آن چی؟

زهرا:امروز روز غدیر خم است؟

عمو:آفرین درست است، اما معنی آن چیست؟

زهرا:فقط نامش را امروز از بزرگتر ها شنیدم .اما نمی دانم به چه معناست .!

بچه ها هم زمان:ما هم نمی دانیم.

عمو : "غدیر خم" مکانی است که حضرت علی(ع) به عنوان جانشین پیامبر معرفی شد.

محدثه :عمو میشه بیشتر توضیح بدهید.

عمو :آری عزیزم ،آن روز بود که

(صحنه عوض میشه و صحنه ای از غدیر خم می آید)

(کسی به عنوان پیامبر وارد صحنه می شود و بعد از آن کسی به عنوان فرشته وارد می شود تا پیام خدا را به او برساند)

فرشته: ای پیامبر، آن چه به سوی تو از طرف پروردگار فرود آمده است به مردم ابلاغ کن و اگر کوتاهی کنی رسالت او را به پایان نرسانده ای و خدا تو را از شرّ مردم نگهداری می کند.

(فرشته از صحنه بیرون می آید، عده ای از مردم به صحنه می آیند پیامبر خطاب به آنها)

پیامبر: ای مردم بیاستید، به کسانی که جلو تر هستند بگویید برگردند و به کسانی که عقب تر هستند بگویید زودتر حرکت کنند و با جهاز شترها منبری درست کنید.

(پس از چند لحظه مردم جمع می شوند همه از یکدیگر می پرسند: چه خبر شده است؟) پس از چند لحظه پیامبر دست حضرت علی را بالا می برد و می گوید: ای مردم، خداوند مولای من است و من مولای مؤمنانستم. هر که من مولای اویم این علی مولای اوست.

صدای عمو: بله بچه ها این جو ری بود که حضرت علی (ع) جانشین پیامبر (ص) شد.